

روایت زندگی منیر قاضی، بانوی توان یابی که با چرخ خیاطی، تقدیر خود و شاگردانش را تغییر داد

کوک زدن امید به زندگی



۱۲

حسین برادران شراری ویلچر کنار میز طراحی

در حال آموزش دادن به شاگردانش است. همه با دقت به صحبت ها و نکات ظریفی که مربی می گوید گوش می دهند. آن ها خوب می دانند که این نکات ریز و به قول معروف فوت کوزه گری را از زبان هر مربی ای نخواهند شنید، نکاتی که حاصل چهل سال خیاطی منیر قاضی است. بزرگ ترین تبلیغ و پشتیبان منیر خانم در همه این سال ها، آموزش کامل خیاطی و دوخت لباس در حضور خود اوست. بسیاری از شاگردان دیروز او در کارگاه خیاطی منیر خانم از خیاطان ماهر و زبردست شهر شده اند.

منیر قاضی که تجربه سال ها آموزش خیاطی در سازمان فنی و حرفه ای را دارد و در کانون طراحان لباس ایران نیز عضو است، بانی و مؤسس این کارگاه خیاطی است. منیر خانم بانوی توان یاب ساکن محله امیریه با وجود مشکلات جسمی، سال ها تلاش کرده و نزدیک به چهار دهه با تربیت شاگردان و طراحی های درخشانش خوش درخشیده است. پای صحبت هایش می نشینیم تا گذر زندگی اش از مرحله سخت به مرحله ثبات را از نگاه خودش مرور کنیم.

زندگی قبل و بعد از سه سالگی

بانویی که امروز در کارگاه خیاطی اش پیش روی ما نشسته است از شصت و پنج سال زندگی، شصت و دو سالش را با نقص جسمی و به قول خودش عصای زیر بغل زندگی کرده است. نخوردن قطره فلج اطفال در کودکی او را با بیماری ای سخت درگیر می کند. این بانوی پرتلاش می گوید: در سن سه سالگی بیماری فلج اطفال تمام بدنم را گرفت و تنها از ناحیه گردن به بالا اندک حرکتی داشتم، با پیگیری ها و دوادمان های مختلفی که مرحوم پدرم انجام شد معلولیتم تا حد زیادی بهبود یافت اما برای رفت و آمد ناچار به استفاده از عصای زیر بغل شدم.

چرخ خیاطی، نقطه امید زندگی

منیر قاضی در هفت سالگی با تلاش و حمایت های خانواده در دبستانی عادی ثبت نام می کند. اما خیلی زود متوجه می شود که تفاوت ظاهری او با دیگران برایش دردسرساز و مشکل آفرین است. منیر قاضی که از کودکی به عنوان حساس ترین دوران زندگی اش یاد می کند سختی های آن روزها را هنوز در ذهن دارد. اما همین سختی ها از او انسانی صبور، فعال و با اراده می سازد و سکوی پرتابی می شود برای قدم گذاشتن در مسیری که برایش افتخار آفرین است. خرید یک دستگاه چرخ خیاطی زمینه ساز این تحول عظیم در زندگی اومی شود.

خیاط هنرمند منطقه ما ادامه می دهد: پنجم ابتدایی را که تمام کردم پدرم برایم یک چرخ خیاطی خرید تا اوقات فراغتم را با آن پر کنم و در کنار آن مهارت شغلی نیز داشته باشم. خدا رحمت کند مرحوم پدرم را و بزرگ ترین حامی من در همه این سال ها بود و برایم مربی گل دوزی گرفت. همیشه می گفت: دخترم هر کاری که بتوانم برای پیشرفت و آینده تو انجام خواهم داد و اقا هم همین طور بود.

مهارت منیر نوجوان در گل دوزی به اندازه ای بود که مشتری ها برای سفارش کارهای خود ماه ها در صف انتظار بودند. اومی گوید: اولین سفارش های گل دوزی من سرویس های جهیزیه عروس و داماد و سرویس خواب و

آشپزخانه بود که از اقوام و همسایه های گرفتم. کم کم کارم رونق گرفت و سفارش های یکی بعد از دیگری به دستم می رسید تا جایی که حتی فرصت سرخاراندن هم نداشتم. قاضی بایان خاطره ای از آن روزهای می گوید: یکی از مشتری ها که برای گرفتن سفارش هایش به خانه ما آمده بود با تعجب می گفت: برایم باور کردنی نیست که هنرمند سازنده این دستباف ها شما باشید.

از هنرآموزی تا مربی شدن در نوجوانی

نشستن پای کار گل دوزی مانعی برای درس خواندن و دیپلم گرفتن منیر خانم نبود و در کنار آن به خیاطی هم علاقه پیدا کرده و به دنبال یادگیری این هنر بود. بعد از پایان دوره آموزشی به دلیل مهارت بالایش در خیاطی به عنوان مربی، تدریس کلاس های آموزش خیاطی مرکز هلال احمر مشهد را بر عهده گرفت. منیر قاضی ادامه می دهد: به مدت چهار سال در این مرکز مربی آموزش خیاطی بودم. کلاس های خیاطی من در همه این سال ها جزو شلوغ ترین دوره های آموزشی بود و همه نوآموزان، مشتاق و داوطلب حضور در آن بودند. این استقبال و موفقیت ها روز به روز عشق و علاقه منیر قاضی را به خیاطی بیشتر و بیشتر می کند به طوری که بعد از چهار سال تدریس در مرکز هلال احمر پیگیر افتتاح آموزشگاه و کارگاه خیاطی برای خودش می شود.

نفر اول قبولی ها

این گونه می شود که منیر خانم راه خود را در زندگی پیدا می کند. او متوجه می شود که ساخته شده است برای خیاطی کردن و خیاطی آموزش دادن. منیر قاضی برای افتتاح آموزشگاه خیاطی، دنبال کسب

جواز و قبولی در امتحانات فنی و حرفه ای می رود و در این مسیر دچار چالش های زیادی می شود. او این ماجرا را این گونه تعریف می کند: به خاطر چندین سال سابقه خیاطی و حتی تدریس در مرکز هلال احمر قبول شدن و گرفتن مجوز برایم سخت نبود. اما این اتفاق نیفتاد. امتحان به صورت عملی و با دوخت یک لباس همراه بود. شرکت کننده ها سه روز فرصت داشتند که لباس مورد نظر را بر اساس الگوی مربیان دوخته و تحویل بدهند. بر اساس سال ها سابقه خیاطی که داشتم لباس را در ورز و دوختم و تحویل دادم حتی یک روز هم زودتر از زمان مقرر. دو روز بعد که قرار بود برای جواب بروم در مسیر رفتن با خبر شدم که اسمم در فهرست قبول شده ها نیست. باید صبر می کردم و پنج ماه دیگر امتحان می دادم. اما چون یقین داشتم که حقم ضایع شده بود باید حقم را می گرفتم. با پیگیری هایی که داشتم امتحان دو روز بعد دوباره برگزار شد و بالاترین نمره را گرفتم و اسمم در بالای نام قبول شده ها نشست.

